

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در مباحث گذشته عرض کردیم که در مسئله رؤیت هلال اقوالی وجود دارد ، یک قول این بود که وحدت افق معتبر و میزان است یعنی در هر جایی که رؤیت هلال محقق شد فقط جاهایی که با آن نقطه هم افق هستند و نزدیک به آن هستند هلال و اول ماه ثابت است اما تقاطعی که دور هستند هلال برایشان ثابت نیست و باید ماه قبل را استصحاب و ۳۰ روز حساب کنند، یعنی وظیفه آنها مثل وظیفه کسی است که ماه را ندیده چون کسی که ماه را ندیده باید ماه قبل را تا ۳۰ روز ادامه بدهد. قول دیگر این بود که وحدت افق معتبر نیست یعنی اگر در یک نقطه ای ماه دیده شد برای تمام سکنه کره زمین اول ماه می باشد منتهی به شرطی که رؤیت ماه با شب توأم باشد چون ماه از شب آغاز می شود ، پس اول ماه برای تمام نقاطی که در شب بودن با هم مشترکند ثابت می باشد. قول دیگری در مسئله وجود داشت که قائل به تفصیل شده بود، یکی از قائلین به این قول آقای اراکی (رحمة الله علیه) بود ، ایشان در حاشیه عروة گفته بودند که اگر ماه در بلاد شرقی دیده بشود برای غربی ها هم اول ماه است اما اگر در بلاد غربی دیده بشود برای شرقی ها اول ماه ثابت نیست، دلیلش هم این است که حرکت ماه مانند سایر اجرام سماوی و فلکی از غرب به شرق می باشد. اقوالی که در مسئله وجود داشت را ذکر کردیم و حالا می خواهیم دلائل این اقوال را مورد بررسی قرار بدهیم ، ما قبلاً عرض کردیم که مفصل ترین کتابی که تا حدودی دلائل این اقوال را ذکر کرده مرحوم علامه در تذکره ومنتهی می باشد. علامه در منتهی اول استدلال کرده که وحدت افق اعتبار ندارد و اگر ماه در یک نقطه ای دیده شود برای همه اول ماه ثابت می شود، ولی در آخر کلامش گفته که اگر بگوئیم زمین کره است ، این کرویت مانع می شود تا تمام سکنه کره زمین بتوانند ماه را ببینند یعنی تحدد و برآمدگی که در بعضی از نقاط زمین نسبت به بعض دیگر وجود دارد مانع می شود که همه بتوانند ماه را ببینند فلذا برای همه اول ماه ثابت

نیست و فقط برای کسانی که بتوانند در آن شب ماه را ببینند اول ماه ثابت است ، پس ایشان در آخر کلامشان در منتهی قائل به این می شوند که اختلاف افق مؤثر است. مرحوم علامه در تذکره از اول قائل به این شده اند که اختلاف افق مؤثر است و وحدت افق معتبر است. صاحب حدائق قائل به این است که زمین کره نیست و بنده در جایی دیدم که نوشته بود ایشان این آیه : **أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ**، را دلیل بر این مطلب که زمین کره نیست بلکه مسطح است گرفته اند، در حالی که این آیه نمی تواند دلیل بر این مطلب باشد چرا که این آیه می گوید که ببینید زمین چطور گسترده شده چرا که در روی زمین خداوند متعال کوهها و دریاها و مزارع و معادن و... زیادی را قرار داده که همگی آنها دلالت بر گستردگی و وسعت زمین دارند . صاحب حدائق دلائلی بر عدم کره بودن زمین دارد من جمله اینکه ؛ اگر قرار باشد زمین کره باشد در یکجا جمعه می باشد و در جای دیگری پنج شبه در حالی که ما اخبار مستفیضه ای درباره فضائل روز جمعه و اعمال مخصوص به آن داریم پس اگر ما قائل به کرویت زمین بشویم، ایام اسبوع من جمله جمعه به هم می خورد و همچنین ایام اعیاد و شبهای خاص رمضان مثل شبهای قدر و دیگر ایام خاص به هم می خورد، این مطلب در جلد ۱۳ حدائق ص ۲۶۶ تا ص ۲۶۷ بیان شده است. درباره مطالب حدائق و از این قبیل استدلالات باید عرض کنیم که این ثواب ها و این فضایل برای عناوین می باشد و این عناوین هم علم شخص نمی باشد بلکه علم جنس است یعنی کلی می باشد ، بله مثلاً شب ۱۹ رمضان شب قدر است و خیلی فضیلت دارد ولی شب ۱۹ رمضان شما غیر از شب ۱۹ رمضان مردم آمریکا می باشد، بنابراین چیزهایی که مربوط به اوقات است، با توجه به این که زمین کره است و اوقات متعدد است، فضیلتها مربوط به کلی روز جمعه می باشد یعنی هر کجا مثلاً شب جمعه یا شب قدر محقق شد دارای اعمال و فضائل مختص به خودش می باشد، فلذا ما اخباری که درباره این فضائل آمده را حمل بر همین معنی می کنیم و غیر از این درست نیست، اما اینکه مسئله ماه را مبتنی بر کرویت و عدم کرویت

زمین بکنیم مورد بحث ماست، یعنی ما در بحثمان درباره هلال می خواهیم بگوئیم که رؤیت هلال مبتنی بر کرویت یا عدم کرویت زمین نیست ولی علامه در تذکر و منتهی و صاحب حدائق و حتی صاحب مدارک مسئله رؤیت هلال را مبتنی بر کرویت و عدم کرویت زمین کرده اند، یعنی آنها گفته اند که اگر زمین کروی است حق با کسانی است که می گویند وحدت افق معتبر و میزان است ولی اگر زمین کروی نیست حق با کسانی است که می گویند وحدت افق معتبر و مؤثر نیست. بحث ما در این است که مبتنی کردن مسئله هلال ماه بر کرویت و عدم کرویت زمین درست نیست بلکه ریشه بحث چیز دیگری می باشد و آن این که وقتی که ماه از محاق در آمد و متشکل به شکل هلال شد، برای تمام ساکنین کره زمین اول ماه می باشد و دیگر امکان رؤیت لازم نیست بلکه تحقق رؤیت لازم است، یعنی اگر ماه دیده بشود چه خودتان ببینید و چه کسانی که موثقتند به شما خبر بدهند در این صورت اول ماه ثابت است برای کل سکنه روی زمین، چرا که **إن عدة الشهور عند الله إثنا عشر شهراً** و شهر هم با تحقق و ثبوت هلال که یک واقع محفوظ و معین است آغاز می شود و بعداً که اخبار اهل بیت (علیهم السلام) را نقل کنیم مسئله کاملاً روشن می شود. یک مطلبی را شهید ثانی در جلد ۲ مسالک بیان کرده و آن اینکه اگر ما قائل بشویم که اختلاف افق مؤثر است، لازمه اش این است که گاهی یک انسانی ۳۱ روز روزه بگیرد و حال آنکه ماه رمضان ۳۰ روز بیشتر نیست و گاهی هم یک شخصی ۲۸ روز روزه بگیرد و مشخص است که ماه از ۲۹ روز کمتر نمی تواند باشد. بنده مثالی می زنم تا مطلب روشن تر بشود؛ اگر کسی در قم شب جمعه هلال ماه رمضان را دید و شروع به روزه گرفتن کرد و بعد در اواخر ماه مسافرت کرد مثلاً به اصفهان و دید که آنه شب شب هلال ماه رمضان را دیده اند، حالا فرض می کنیم که آن شخص در روز ۲۹ رمضان از قم به اصفهان رفت و چون اهل اصفهان ماه را یک روز دیرتر از اهل قم دیده بودند یعنی در شب شنبه فلذا روزی که شخص به اصفهان رسیده روز ۲۸ رمضان است برای اهل اصفهان، خلاصه ماه برای اهل اصفهان

۳۰ روز شد یعنی اهل اصفهان ۳۰ روز روزه گرفتند و بعد ماه را دیدند اما روز سی ام اهل اصفهان می شود روز سی و یکم آن شخص که از قم آمده بود چون در قم یک روز زودتر از اصفهان هلال ماه رمضان را دیده بودند. شهید ثانی این مطلب را هم ذکر کرده اند که هر کسی در این موضوع یعنی اختلاف افق، وارد یک شهری بشود باید از شهری که به آنجا وارد شده تبعیت کند. گاهی هم امکان دارد عکس این مطلب اتفاق بیفتد مثلاً فرض کنید شخصی از اصفهان به قم بیاید که ماه را زودتر دیده اند فلذا لازمه اش این می شود که مثلاً ۲۸ روز روزه بگیرد. بنابراین باتوجه به اینکه مبنای شهید بر این است که هر کس وارد شهری شد باید در مسئله رؤیت و افق از آن شهر تبعیت کند، لازم می آید که گاهی شخصی ۳۱ روز روزه بگیرد و گاهی ۲۸ روز. پس ما مباحث امروز و این مقدمات را عرض کردیم تا اینکه بگوئیم نمی توانیم کرویت و عدم کرویت زمین و همچنین وحدت افق را مبنای رؤیت هلال قرار بدهیم چون تبعاتی دارد که آنها را در کلام شهید نقل کردیم، فلذا ما باید یک راهی را پیش بگیریم که از آن راه بهتر بنوانیم مسئله را حل کنیم، بقیه اش بماند برای بعد **إن شاء الله...**

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین